

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





# اندیشه تمدن ساز (۱)

بخش ایمان و توحید





مخبرنامه‌های مطبوعه‌های جمهوری اسلامی ایران  
سازمان آشنایی با اهل بیت و معارف

شماره ۳۱۳۵/۳/۴۰۲  
تاریخ ۱۴۰۲/۶/۲۷

شناسه درسنامه

(تأییدیه متن درسی معارف اسلامی)

در راستای بهبود محتوا و سامان بخشی به دروس معارف اسلامی دانشگاه، بدینوسیله «شناسه درسنامه» کتاب «اندیشه تمدن ساز» برای تدریس در مقطع کارشناسی صادر می‌شود.

### کد شناسه: ۱۱۰

مؤلف: تیم تدوین	نام کتاب: اندیشه تمدن ساز (۱) (ایمان و توحید)	
تعداد واحد: ۲ واحد	گرایش: مبانی نظری (اندیشه اسلامی)	دانشگاه‌های قابل تدریس: دانشگاه‌های سراسر کشور

از خداوند منان برای مؤلفان محترم، توفیق مضاعف در عرصه جهاد تبیین طلب می‌کنیم.

حمزه شریفی دوست

مدیر امور دروس معارف اسلامی

## اندیشه تمدن ساز (۱)

### بخش ایمان و توحید

با اقتباس از اندیشه‌های استاد سیدعلی حسینی خامنه‌ای



#### تیم تدوین درسنامه

۱. حمزه شریفی دوست (سرپرست کارگروه تدوین و بازنویس متن) تحصیلات: خارج فقه و اصول؛ تحصیلات دکتری؛ مدیریت و قرآن
۲. مجید حمدانی (مسئول تطبیق استاندارد آموزشی) تحصیلات: دکترای تکنولوژی آموزشی، هیات علمی دانشگاه فرهنگیان
۳. عبدالحسین مشکانی (مشاور تنظیم محتوا) تحصیلات: خارج فقه و اصول؛ دکترای فلسفه علوم اجتماعی؛
۴. علی حسونوند (مشاور تنظیم عناوین و تیترگذاری) تحصیلات: خارج فقه و اصول؛ کارشناس ارشد فلسفه تطبیقی



**عنوان و نام پدیدآور:** اندیشه تمدن ساز (۱) : بخش ایمان و توحید / [علی خامنه‌ای]؛ تیم تدوین حمزه شریفی دوست...  
[و دیگران]. مشخصات نشر: قم : بهار دله، ۱۴۰۲. مشخصات ظاهری: ۲۲۴ص. وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: تیم تدوین حمزه شریفی دوست ، مجید حمدانی ، عبدالحسین مشکانی ، علی حسونوند. یادداشت:  
کتابنامه: ص. ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: خامنه‌ای، سید علی، -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها  
موضوع: Messages and speech -- Khamenei, Sayyed Ali, Leader of IRI, 1939- -- **شناسه افزودن:** شریفی دوست،  
حمزه، ۱۳۵۶ - رده بندی کنگره: DSR۱۶۹۲ رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴ شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۳۱۹۰۲

•• نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۰ •• قیمت: ۱۴۰،۰۰۰ تومان •• ناشر: بهار دله ••

•• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۲-۱۰۵-۳ ••

## فهرست اجمالی

۱۳	درس اول	: ایمان و تلاش
۲۷	درس دوم	: آشنایی با ایمان بُن‌پست شکنانه
۴۳	درس سوم	: آشنایی با ایمان آگاهانه
۵۹	درس چهارم	: آشنایی با ایمان زاینده
۷۳	درس پنجم	: آشنایی با ایمان وفادارانه
۹۱	درس ششم	: ایمان و هدف‌گذاری (نوبد ۱)
۱۰۹	درس هفتم	: ایمان و آرامش (نوبد ۲)
۱۲۵	درس هشتم	: جهان‌بینی توحیدی در قرآن
۱۳۹	درس نهم	: ایدئولوژی توحیدی در قرآن
۱۵۳	درس دهم	: عبادت و اطاعت انحصاری خدا
۱۶۷	درس یازدهم	: روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا
۱۸۳	درس دوازدهم	: توحید و نفی طبقات اجتماعی
۲۰۱	درس سیزدهم	: فواید روانی توحید



## فهرست

### درس اول

#### ۱۳... ایمان و تلاش

۱۵... آغاز حرکت

۱۶... حرکت، ثمره اطاعت

۱۷... رحمت و تلاش

۱۸... رحمت اجتماعی خداوند

۱۹... مسابقه به سوی مغفرت

۲۰... مداوای جراحات روح با مغفرت

۲۱... مغفرت و تلاش برای جبران

۲۲... ویژگی‌ها و خصوصیات متقیان

۲۲... انفاق هوشمندانه

۲۴... مهارت مدیریتِ خشم

۲۴... نادیده گرفتن لغزش مردم

۲۵... استمداد از قدرت ذکر

### درس دوم

#### ۲۷... آشنایی با ایمان بُن‌بست‌شکنانه

۲۹... نقش حاکم الهی در خروج از بن‌بست‌های اجتماعی

۳۱... اصلاح اجتماعی

۳۱... معنای ایمان

...۳۲ نشانه‌های ایمان

...۳۳ ترس مطلوب

...۳۴ ارتقای ایمان

...۳۵ راهبرد بُن‌بست‌شکنانه

...۳۸ نمازِ جامعه‌ساز

...۴۰ انفاق جامعه‌ساز

### درس سوم

## ۴۳... آشنایی با ایمان آگاهانه

...۴۵ مقدمه

...۴۵ تفاوت رهبران مادی با رهبران الهی

...۴۹ شنیدن آگاهانه

...۵۰ ایمان مقلدانه و ایمان متعصبانه

...۵۲ در جست‌وجوی ایمان آگاهانه

...۵۳ ایمان آگاهانه در قرآن

...۵۴ نشانه‌های خردمندان

...۵۴ یاد مداوم خداوند

...۵۴ تفکر مستمر

...۵۶ تقابلی روشنفکران و متحجران

### درس چهارم

## ۵۹... آشنایی با ایمان زاینده

...۶۱ تعریف ایمان زاینده

...۶۳ شیعه بدون تعهد

...۶۴ ایمان زاینده در قرآن

...۶۵ شفاعت، مشروط به جدیت

...۶۵ سیره معصومین و عمل زاینده

...۶۷ تعهدات اجتماعی ایمان

...۶۷ جهاد و عمل زاینده

...۶۸ معنای امت برگزیده

...۷۰ هجرت تمدن‌ساز



### درس پنجم

## ۷۳... آشنایی با ایمان وفادارانه

- ...۷۵ تعریف ایمان وفادارانه
- ...۷۸ هدف‌های دشوار پیامبران
- ...۸۰ داستان ابوقییس
- ...۸۱ نقش طواغیت در ناآگاهی مردم
- ...۸۲ معنای مشیت خداوند
- ...۸۴ معنای قضاوت پیامبر
- ...۸۵ دلایل نپذیرفتن قضاوت پیامبر
- ...۸۶ معنای فلاح و پیروزی
- ...۸۷ مؤمن متعهد، جانشین خداوند
- ...۸۷ شرط استخلاف الهی

### درس ششم

## ۹۱... ایمان و هدف‌گذاری (نوید ۱)

- ...۹۳ رابطه ایمان و خوشبختی
- ...۹۴ ارکان خوشبختی
- ...۹۵ هدف‌شناسی
- ...۹۶ شناخت موانع بیرونی
- ...۹۶ رفع موانع درونی
- ...۹۸ تمرین‌های حرکت
- ...۹۸ امکان جبران اشتباهات
- ...۹۹ داشتن مسیر یاب
- ...۹۹ استفاده از نیروهای ماوراء الطبیعی
- ...۱۰۰ احساس برتری بر مخالفان
- ...۱۰۰ پیروزی نهایی بر دشمنان
- ...۱۰۰ رسیدن به مقصد نهایی
- ...۱۰۱ استفاده از ذخایر آسمان و زمین
- ...۱۰۱ ادامه راه بعد از مرگ

- ۱۰۲... نویدهای قرآن
- ۱۰۲... شناخت هدف و مقصود (هدایت) و آیات مرتبط با آن
- ۱۰۵... شناخت موانع و ظلمت‌ها

### درس هفتم

## ۱۰۹... ایمان و آرامش (نوید ۲)

- ۱۱۱... مقدمه
- ۱۱۱... نویدهای قرآن
- ۱۱۲... رهایی از وسوسه‌های درونی
- ۱۱۹... امنیت روحی ابراهیم
- ۱۲۱... ثمربخش بودن حرکت

### درس هشتم

## ۱۲۵... جهان‌بینی توحیدی در قرآن

- ۱۲۷... مقدمه
- ۱۲۸... تعریف جهان‌بینی
- ۱۲۹... تعریف جهان‌بینی توحیدی
- ۱۳۰... جهان‌بینی توحیدی در قرآن
- ۱۳۱... آیه‌الکرسی، آیینۀ تمام‌نمای توحید
- ۱۳۴... آثار اجتماعی پذیرش توحید
- ۱۳۶... فرزندخواندگان و خدازادگان
- ۱۳۷... آثار اجتماعی عقاید فاسد

### درس نهم

## ۱۳۹... ایدئولوژی توحیدی در قرآن

- ۱۴۱... مقدمه
- ۱۴۲... علل گرایش به مکاتب مادی
- ۱۴۴... توحید باید کاربردی باشد
- ۱۴۶... کارکرد گسترده توحید اسلامی
- ۱۴۷... فهم عمیق ربعی بن عامراز توحید
- ۱۵۰... مجادله سران و پیروان

## درس دهم

## ۱۵۳... عبادت و اطاعت انحصاری خدا

۱۵۵... مقدمه

۱۵۶... تکالیف اجتماعی توحید

۱۵۶... قطعنامه جامعۀ توحیدی

۱۵۷... نفی عبودیت غیر خدا

۱۵۸... مباحث بی‌فایده درباره توحید

۱۵۹... آیات قرآن درباره توحید

۱۵۹... ناسپاسی خدانماها در قیامت

۱۶۱... فاعل حقیقی در هستی

۱۶۳... قانون‌گذار اصلی

## درس یازدهم

## ۱۶۷... روح توحید، نفی عبودیت غیر خدا

۱۶۹... اهمیت توحید

۱۷۰... دو معنای عبادت

۱۷۱... داستان عدی بن حاتم و پیامبر

۱۷۲... معنای دوم عبادت در روایات

۱۷۳... مصادیق اجتماعی عبادت

۱۷۴... اطاعت در آیات قرآن

۱۷۴... ارتباط حکم با عبادت

۱۷۶... ذبح حیوان، سمبل توحید

۱۷۹... اطاعت از شیطان صفتان، مساوی با شرک

۱۸۰... جهنمی‌ها به جان هم می‌افتند

## درس دوازدهم

## ۱۸۳... توحید و نفی طبقات اجتماعی

۱۸۵... مقدمه

۱۸۵... نفی طبقات اجتماعی

۱۸۶... اختلاف طبقاتی در تاریخ

- ۱۸۶... اختلاف طبقاتی در میان آریاییان  
 ۱۸۹... نفی طبقات اجتماعی در اسلام  
 ۱۹۰... طبقات اجتماعی در جوامع سرمایه‌داری  
 ۱۹۲... آیات قرآن در نفی طبقات اجتماعی  
 ۱۹۵... مالکیت مطلقه خداوند بر کاینات  
 ۱۹۷... نفی دوخدایی  
 ۱۹۸... خلقت واحد  
 ۱۹۹... آفرینش واحد زن و مرد  
 ۲۰۰... برتری بنی آدم بر دیگر موجودات

### درس سیزدهم

## ۲۰۱... فواید روانی توحید

- ۲۰۳... مقدمه  
 ۲۰۴... معنای واژه توحید  
 ۲۰۴... اهمیت اعتقاد به توحید  
 ۲۰۵... فایده پرداختن به مبحث توحید  
 ۲۰۵... مهم‌ترین تأثیرات روانی توحید  
 ۲۰۵... ایجاد وسعت دید  
 ۲۰۶... خشکاندن ریشه ترس  
 ۲۱۱... الف) غلبه بر ترس در جنگ احزاب  
 ۲۱۱... ب) مهار ترس در جنگ احد  
 ۲۱۳... ج) غلبه بر ترس در روایات اسلامی  
 ۲۱۷... کتاب‌نامه

درس اول

# ایمان و تلاش

## اهداف

### هدف کلی

■ آشنایی فراگیران با رابطه ایمان و تلاش

### اهداف یادگیری

پس از مطالعه این فصل فراگیران باید بتوانند:

- رابطه ایمان و تلاش را در قالب یک اینفوگرافیک (اطلاع‌نگاشت) طراحی کنند. (فهمیدن)
- ارتباط اطاعت با تلاش و اقدام را بیان کنند. (فهمیدن)
- جمله قرآنی «**وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**» را تشریح نمایند. (تجزیه و تحلیل)
- ضمن فهم تفاوت انفاق با خرج کردن، مفهوم انفاق را شخصی سازی کنند. (آفریدن)
- رحمت اجتماعی خداوند را به طور صحیح در محیط های اجتماعی به کارگیرند. (کاربرد)
- معنای مداوای جراحات روح را به درستی شرح دهند. (فهمیدن)
- مهارت به کارگیری صحیح خشم را در زندگی فراگیرند. (کاربرد)
- افراد متقی را با خصوصیات متقین ارزشیابی کنند. (ارزشیابی)

## آغاز حرکت

رهبانیون مسیحی، برای آن که دامانشان به گناه آلوده نشود، گوشه‌گیری و رهبانیت پیشه کردند و به غارها و کوه‌ها و بیغوله‌ها پناهنده شدند. قرآن می‌فرماید: ما رهبانیتی را که آنان از خود درآوردند و به صورت بدعت پایه‌گذاری کردند بر آن‌ها واجب نکرده بودیم<sup>۱</sup>! اما برای عالم اسلامی رهبانیت و گوشه‌گیری و فرار معنا ندارد. عالم اسلامی همان کسی است که «سعی می‌کند که بگیرد غریق را»<sup>۲</sup>. از آنجا که مسلمان بودن و مسئول بودن لازم و ملزوم یکدیگرند، هر فرد مسلمان آگاه تلاش می‌کند تا شخص غریق و بیمار و وبازده را نجات دهد و روشن است که نجات دیگران با فرار جور در نمی‌آید. بنابراین مسلمان آگاه خود را با تقوا تجهیز می‌کند؛ یعنی درمقابل آسیب گناه، زرّه مناسب را بر تن می‌پوشد و برای نجات گناهکاران و دستگیری از آنان وارد منطقه گناه می‌شود.

---

۱. «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْنَا»؛ سوره حدید، آیه ۲۷.

۲. صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه  
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود  
تا اختیار کردی از آن این فریق را  
وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را  
بشکست عهد صحبت اهل طریق را  
گفت آن گلیم خویش به درمی برد ز موج  
(سعدی، گلستان، باب دوم، در اخلاق درویشان، حکایت ۳۹).

حال، با این توصیف، باید پرسید: آیا می‌توان تقوا را مقدمه و وسیله‌ای مناسب برای پیروزی دانست؟ پیداست که پاسخ مثبت است؛ کسی که قصد نجات دیگران را دارد اگر همواره از این در هراس باشد که میکروب بر جسم او اثر بگذارد، چگونه می‌تواند میکروب‌زدگان و وب‌ازدگان را نجات دهد؟ پس ابتدا باید فکرش از جانب خودش راحت باشد تا بتواند با اطمینان وارد منطقه ممنوعه شود و دیگران را نجات دهد. در آن صورت است که هدف دست‌یافتنی می‌شود و پیروزی قطعی خواهد بود، «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup>؛ تقوای خدا پیشه کنید تا پیروزمند و موفق گردید.

### ● حرکت، ثمره اطاعت

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۲</sup>؛ از خداوند و پیامبر اطاعت کنید، باشد که در رحمت پروردگار قرار بگیرید. همه ما می‌دانیم که اطاعت از خدا با اطاعت از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تفاوتی ندارد. با این حال چرا قرآن بر این نکته تأکید دارد و می‌گوید از خدا اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید؟ آیا ذکر هر دو این‌ها در کنار هم لازم بوده است یا یکی از آن دو زائد است؟

اگر خداوند فقط به اطاعت از خودش اکتفا می‌کرد و اطاعت از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ذکر نمی‌کرد، ممکن بود کسانی که در نقطه مقابل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داشتند ادعا کنند که ما دارم از خداوند اطاعت می‌کنیم. قطعاً دامنه ادعا گسترده است و هر کس می‌تواند ادعا کند که ایمان و تقوا دارد و مدعی شود بنده خدا و مطیع اوست.

در زمان پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود پیامبر مدعی اطاعت خدا بود و کسانی که در جهه مقابل با پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌جنگیدند، از جمله رهبان‌های مسیحی و اخبار<sup>۳</sup> یهود که در کار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اخلاص می‌کردند، نیز ادعا می‌کردند که از خداوند اطاعت

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۰.

۲. همان، آیه ۱۳۲.

۳. جمع خبر به معنی دانا؛ روحانی یهودی مراد است.



دارند و حتی ادعایشان از پیامبر ﷺ نیز بالاتر بود. پیامبر ﷺ می‌گفت من بندهٔ خدا هستم، اما آن‌ها می‌گفتند ما فرزندان و پسران خدا هستیم و گمان می‌کردند اطاعت خدا در بیست در اختیار آن‌هاست.

عده‌ای هستند که به‌هنگام خلوت با خود درمی‌یابند که چه کارنامهٔ سیاهی دارند، اما به‌ظاهر و در نزد مردم وانمود می‌کنند که از بندگان خوب خدا و مطیعان پروردگارند. حساب این گروه باید از حق پرستان واقعی جدا شود. بنابراین خداوند مؤمنان را به نوع خاصی از اطاعت دعوت می‌کند و فرمان می‌دهد: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ﴾؛ خدا را و پیامبر را اطاعت کنید.

اگر خداوند دستور نمی‌داد از پیامبر ﷺ اطاعت کنید، دشمنان پیامبر نیز می‌گفتند ما مطیع خداییم. از این رو باید مشخص شود که اطاعت از خداوند به چه معناست. آن کسانی که خود را بندهٔ خدا می‌پندارند، اما بندهٔ فرمان خدا نیستند و به قانون خدا عمل نمی‌کنند چگونه می‌توانند ادعا کنند که ما بندهٔ خداییم؟ پس معنای اطاعت از خداوند اطاعت از پیامبری است که قوانین خداوند و دستورات الهی را به مردم ابلاغ و برای آنان بیان می‌کند و چنین اطاعتی انسان را به حرکت و تلاش بیشتر وامی‌دارد.

### • رحمت و تلاش

ادامهٔ آیه به موضوع رحمت الهی اشاره می‌کند. ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛ از خداوند و از پیامبرش تبعیت و پیروی کنید، شاید که مورد رحمت پروردگار قرار گیرید.

رحم خدا به چه معناست؟ مورد رحم خدا قرار گرفتن یعنی چه؟ در اینجا مناسب است و جا دارد بیان قرآن با پندار عامیانهٔ ما مقایسه شود. ما گمان می‌کنیم اگر از خداوند نافرمانی کردیم و به واجبات و تعهدات و تکالیف الهی عمل نکردیم،

فقط یک نقطه امید برایمان باقی می ماند که آن هم رحمت خداست؛ یعنی خدا به ما رحم می کند و رحمت خداوند را در جایی می خواهیم که عملی نداریم و عاصی شده و نافرمانی کرده ایم. اینجاست که می گوییم: «ما که عمل نداریم، مگر خدا رحمان کند.» به عبارت دیگر، رحم و رحمت پروردگار را رقیب و جایگزین عمل نداشته خود می دانیم. اما قرآن برخلاف پندار عامیانه ما بیان می کند: «عمل کنید و از خداوند اطاعت کنید، شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید»؛ یعنی رحمت خداوند را مخصوص کسانی می داند که اهل عمل و اطاعت اند.

### ○ رحمت اجتماعی خداوند

رحمت خدا زمانی محقق می شود که امتی به مسئولیت خود عمل کند و خداوند وقتی به مردم رحم می کند که از او اطاعت کنند و تکالیف خود را انجام دهند. چگونه ممکن است یک میلیارد مسلمان در انتظار بارش ابر رحمت الهی بنشینند، اما دروازه های کشورشان را به روی دزدان ناموس و غارتگران دین بگشایند تا همه چیزشان را به غارت برند؟!

حال باید بررسی کرد که اطاعت خدا به چیست. قطعاً اطاعت خدا در این است که تمامی تکالیف و مسئولیت های الهی را انجام دهیم، نه صرفاً بخشی از آن تکالیف و مسئولیت ها را. خداوند در قرآن کریم می فرماید: ای پیامبر، مؤمنان آن کسانی هستند که وقتی میان آنان نزاع و مشاجره ای به وقوع می پیوندد، به تو مراجعه می کنند و چون تو حکم و دستوری صادر می کنی، کمترین غبار کدورتی بر روح و دل آن ها ننشینند و کاملاً تسلیم فرمان تو باشند<sup>۱</sup>.

اگر ملت و امتی این گونه تحت فرمان خدا قرار گیرد، آنگاه رحمت پروردگار شامل حال آنان خواهد شد؛ آن زمان است که آن امت به رشد انسانی خویش دست می یابد و به آقایی و سیادت می رسد و اسارت ها، زنجیرها، و قیدوبندها از دست

۱. «فَلَا وَرَيْكَ لَآيُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحْكُمَكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ سوره نسا، آیه ۶۵.

و پای او گشوده می‌شود.

### ● مسابقه به سوی مغفرت

«وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»<sup>۱</sup>؛ از یکدیگر پیشی بگیرید، زیرا دنیا میدان مسابقه، پیشی گرفتن، و مسارعه است. «إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ»؛ به سوی مغفرتی، «مِن رَّبِّكُمْ»؛ از سوی پروردگارتان، «وَجَنَّةٍ»؛ و بهشتی که «عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ به پهنای آسمان‌ها و زمین، «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»؛ برای باتقویان آماده شده است. در این فرازاها، به نشانه و نتیجه تقوا اشاره شده است و در آیات بعدی، نشانه‌های دیگر متقین بیان می‌شود.

ای انسانی که حاضری تمام قوا و نیرویت را به کار بگیری تا بتوانی در مزایده فلان زمین، برای به دست آوردن فلان سرمایه، برای تصرف فلان مغازه، برای گرفتن فلان گوشهٔ مملکت، برای دائر کردن فلان کمپانی در فلان منطقهٔ عالم موفق شوی و از دیگران جلو بیفتی، دین نمی‌گوید در خانه بخواب و مسابقه نده، بلکه می‌گوید زندگی مادی، هرچه باشد، برای تو کوچک و کم است. پس سرعت بگیر هرچه بیشتر، مسابقه بده هرچه زیادت‌تر، اما به سوی چیزی که شایستهٔ تو و درخورِ توست.

به سوی چیزی مسابقه بده که با عظمت و مقام تو سازگار باشد، زیرا بزرگ‌ترین عظمت‌های هستی و وجود، بعد از پروردگار، در همین کالبدِ کوچکِ خاکی قرار دارد. «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ»؛ به سوی مغفرت پروردگار مسابقه دهید و به سوی آن بهشت برین الهی که همهٔ آسمان‌ها و تمامی زمین در برابر آن اندک است. مغفرت خداوند چنان بزرگ و مهم است که خداوند آن را به میدان مسابقهٔ انسان‌ها تبدیل کرده است. قرآن می‌گوید ای انسان بزرگ، اگر می‌خواهی به چیزی همت بگماری، برای تو زمین و آسمان ناچیز است، به چیزی والاتر از این‌ها، یعنی همان مغفرت الهی، همت گمار، که برای تو از هر چیزی بالاتر است.

## ○ مداوای جراحت روح با مغفرت

غالباً تصور ما از معنای مغفرت نادرست است و گمان می‌کنیم معنی مغفرت آن است که به کسی بگوییم «آقا، مرا ببخش که به شما دشنام دادم». او نیز با تکبر و تَبخُّر یا با خوش اخلاقی و لطف به ما بگوید «صرف نظر کردم»، یا از صاحب حقی با التماس بخواهیم که از حقش بگذرد و او نیز بگذرد و بگوید بخشیدم، یا با تملق و مظلوم‌نمایی، با التماس یا پارتی و سفارش از نهاد و سازمانی بخواهیم که مالیات یا جریمه‌ای را که برایمان بریده‌اند ببخشند و آن‌ها نیز چشم‌پوشی کنند و درگذرند. گمان می‌کنیم اگر کسی ظلم و جنایت کرد و در زمین فساد به پا کرد، روز قیامت، به سبب قطره‌اشکی که ریخته و توسلی که داشته‌است، خداوند به او می‌گوید «ما از تقصیرات و خطایای تو درگذشتیم»، درحالی که معنای مغفرت این نیست.

غفران به معنی التیام دادن و پُر کردن یک خلأ است. گاهی بدن انسان جراحی عمیق برمی‌دارد و لایه‌ها و بافتِ گوشت از هم باز می‌شود. در این حالت، مرهم و دارویی تجویز می‌کنند یا آمپولی می‌زنند تا آن زخم بتواند هم‌جنس و هم‌سنخ خود را تولید کند و در نتیجه بافت ترمیم شود و زخم التیام یابد.

روح انسان نیز همین‌گونه است؛ هر گناهی که از آدمی سر بزند ضربتی بر روح او وارد می‌شود و زخم و جراحی بر جای می‌گذارد. هر چیزی که روح انسان را از تعالی و تکامل مورد نظرش، ولو یک گام، باز می‌دارد همین شکاف را بر پیکره روح پدید می‌آورد. اگر روح بخواهد تعالی یابد، باید قادر باشد برای خود مصونیت ایجاد کند.

خوردن مال مردم، شُرْب حَمَر، رباخوری، زنا، و دروغ و افترا، هر کدام از این‌ها، شکاف و زخمی بر پیکره روح و روان آدمی وارد می‌کند و روح آدمی را از تکامل یک گام دور می‌نماید و لازم است این نقیصه و جراحتِ روحی التیام یابد و ترمیم شود.

## ○ مغفرت و تلاش برای جبران

غفران دقیقاً معنایش همین است، غفران بدین معناست که خلأ و کمبود روح و زخم روان برطرف گردد و جایش پُر شود. اما این نقیصه چگونه برطرف می‌شود؟ پاسخ آن است که با پُر کردن آن خلأ و با جبران کردن. آن کس که با ارتکاب به گناه، جان خود را از قلۀ انسانیت و نقطۀ پرواز دور کرده‌است، آنگاه عقب‌ماندگی‌اش جبران می‌شود که روحش اوج بگیرد و مقداری به سمت بالا و تعالی حرکت کند و برای جبران آن نقص سعی و تلاش نماید.

۳۱

درس اول • ایمان و تلاش

فرض کنید انسانی به‌قصد پیمودن پنجاه فرسخ با خودروآش حرکت کند، اما خودرو درطول مسیر خراب شود یا خود فرد دربین راه خسته شود و به استراحت بپردازد. در چنین حالتی قطعاً انسان از برنامه و هدفش عقب می‌افتد و این عقب‌افتادگی به جبران نیاز دارد. جبران این عقب‌ماندگی به این است که تندتر و بی‌وقفه حرکت کند یا از استراحتش صرف‌نظر کند تا در موعد معین به نقطۀ مدنظر برسد. چنین فردی با نشستن و گفتن این جمله که «خدایا، من غلط کردم» یا «اشتباه کردم در قهوه‌خانه لمیدم»، کاری ازپیش نمی‌برد و راه به جایی ندارد. به این فرد باید گفت «بالاخره کارِ غلط و اشتباه انجام شده‌است، اکنون زودتر حرکت کن تا توقف و تأخیر پیش آمده را جبران کنی».

مغفرت الهی نیز این‌گونه است. البته خداوند نمی‌گوید چون گناه کردی، بعدش هرقدر هم که کار نیک انجام دهی، ما آن گناه را اصلاً نخواهیم بخشید، بلکه خداوند می‌فرماید: «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ»؛ ما لجباز نیستیم و غفاریم؛ یعنی هرگونه گناه و اشتباهی که انجام بگیرد، حاضریم از آن صرف‌نظر کنیم، به شرط آن‌که جبران شود. ما غافریم و خلأها را پر می‌کنیم و زخم‌ها را التیام می‌بخشیم، اما فقط برای کسی که با توبه راه جبران را درپیش گیرد؛ «لَمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»؛ من بخشنده‌ام برای آن‌که توبه کند. حال توبه کند یعنی چه؟ یعنی از راه رفته بازگردد و

جبران مافات کند و آنگاه که فرد مجدداً به راه درست بازگردد، او را خواهیم بخشید. درحقیقت توبه یعنی بازگشتن و انجام دادن آن عملی که عقب ماندگی را جبران کند. نباید از عمل غافل بود و به سخن گفتن دل خوش داشت، که به عمل کار برآید. از این روی مغفرت عنصر بسیار مهمی است و چنین نیست که خدای متعال بی حساب و دل بخواهی کسی را مورد لطف بی جا قرار دهد، بدون آن که خود او برای به دست آوردن لطف الهی کوششی کرده باشد. **﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ﴾**؛ به سوی مغفرتی از پروردگارتان سرعت بگیرید، **﴿وَجَنَّةٍ﴾**؛ و بهشتی که **﴿عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾**؛ پهنا و گستردگی آن به قدر آسمان‌ها و زمین است و **﴿أَعَدَّتْ﴾**؛ آماده شده است، **﴿لِلْمُتَّقِينَ﴾**؛ برای متقیان.

### • ویژگی‌ها و خصوصیات متقیان

همه آرزومند راهیابی به بهشتیم و در دعاهای خود، از خداوند بهشت را تمنا داریم. گاه طلب بهشت نیز ما را قانع نمی‌کند، بلکه تک تک خصوصیاتش را در دعا وصف می‌کنیم و یکایک آن‌ها را می‌طلبیم: حور العینش<sup>۱</sup>، عسل مصفایش، لحم طیرش<sup>۲</sup>، و همه و همه را در دعاهایمان بر زبان می‌رانیم و طلب می‌کنیم. اما خود خدا می‌فرماید که ما این سفره عیش را برای افراد خاصی گسترده‌ایم و فقط آن‌ها باید به این منطقه وارد شوند و بر این سفره بنشینند. آن‌ها چه کسانی هستند؟ باتقویان. **﴿أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾**؛ یعنی بهشت برای متقیان آماده شده است و در این آیه چهار ویژگی برای متقیان و تقواییشان بیان شده است.

### ○ انفاق هوشمندانه

یکی از خصوصیات باتقویان این است که **﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾**؛

۱. سوره دخان، آیه ۵۴.

۲. سوره واقعه، آیه ۲۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۴.

کسانی که در خوشی و ناخوشی انفاق می‌کنند. پس انفاق شرطِ باتقوا بودن است. باید توجه داشت که انفاق با خرج کردن فرق دارد. خرج کردن یعنی انسان پولی را در جایی مصرف کند و انفاق نیز خرج کردن است، اما نه هر خرج کردنی. انفاق آن خرج کردنی است که به سبب آن، خلأ و نقصی پر شود و نیاز راستینی برآورده گردد. کجایند آنانی که میلیون‌ها خرج می‌کنند و به ظاهر نیز در کارهای نیک خرج می‌نمایند، تا از زبان قرآن به آن‌ها بگوییم که کارشان انفاق نیست، چرا؟! چون خرجشان خلئی را پُر نمی‌کند.

۲۲

درس اول • ایمان و تلاش

اگر پولی به کسی بدهیم که چندین برابرش را درحال حاضر دارد و ده‌ها برابر آن را نیز می‌تواند به دست آورد، این انفاق نیست. اما اگر آن پول را به گرسنه‌ای دادیم که نانی بخرد و گرسنگی‌اش را برطرف کند، این انفاق است. البته گاهی پُر کردن شکم گرسنه نیز انفاق محسوب نمی‌شود؛ یعنی در برخی شرایط پُر کردن شکم فرد گرسنه انفاق است، اما در شرایطی که فقر و گرسنگی، مانند گیاه هرزه‌ای، بی حساب روی زمین می‌رُوید، آنجا دیگر پُر کردن شکم شخص گرسنه همچون قیچی کردن شاخک‌های علف هرز است. در صحرا قیمت علف هرز چقدر است؟ درست است که بالاخره از پیش چشم آدمی یک گیاه هرز کم می‌شود، اما چقدر این کار اساسی است و ضرورت دارد؟ واقعاً با این کار چقدر از خلأها پُر می‌شود؟ قطعاً نتیجه بسیار کم و ناچیز است. بنابراین انفاق آن چیزی است که خلئی را با روش درست پُر کند و نیازی را با راهکار مناسب برآورده سازد. باید دید یک ملت به چه چیزی احتیاج دارد، همان می‌شود میدانِ انفاق. اگر در غیر آن چیز به آن ملت کمک کردی، انفاق نکرده‌ای، بلکه پول را حرام کرده‌ای.

پس انفاق کارِ هرکسی نیست، انفاق کارِ مردمانِ باهوش است، آن‌هایی که خلأها و نیازها را می‌شناسند و حاضرند آن خلأها و نیازها را به طور دقیق پُر کنند. بنابراین گام اولِ انفاق فهم و تشخیصِ نیاز است؛ گام دوم یافتنِ راهکارِ مناسب است؛ گام سوم اجرای آن راهکار است که هر سه به هوش و ذکاوت فراوان نیاز دارد.

### ○ مهار و مدیریتِ خشم

دومین ویژگی باتقویان به موضوع خشم مربوط می‌شود. قرآن در ادامه می‌گوید: **﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ﴾**؛ افراد باتقوا، فروبرندگان خشم‌اند. فروبرندگان خشم یعنی از سر احساسات کار نمی‌کنند و همه جا عقل را بر احساسات حاکم می‌گردانند. البته باید به این نکته دقت داشت که گاه عقل خشم بجا و درست را لازم می‌داند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: **﴿وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾**؛ مؤمنان با خودشان دلسوزند و با کافران با شدت عمل برخورد می‌کنند. معنای این‌که قرآن می‌گوید **﴿وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ﴾** این نیست که باید خشم یک ملت، خشم یک انسان، و خشم یک جامعه، علیه کسانی که سزاوار خشم‌اند، فروخورده شود. قرآن نیز می‌گوید که این خشم‌ها را فروخورید، بلکه می‌گوید کاری را از روی خشم انجام ندهید و خشم را بر اساس عقل و در جای مناسب خود به کار بگیرید. وقتی خشم فرونشست، انسان با عقل و درک خود می‌تواند آنچه را شایسته و بایسته است انجام دهد.

### ○ نادیده گرفتن لغزش مردم

سومین ویژگی متقیان **﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾**<sup>۲</sup> است؛ یعنی گذرندگان از مردم و عفوکنندگان خطای مردم. باید از اشتباهات مردم و از گناهان و لغزش‌های آن‌ها چشم‌پوشی کرد. اما نباید از گناهی که لغزش نبوده، بلکه از روی تعمد و عناد انجام گرفته است، به راحتی صرف نظر و گذشت کرد.<sup>۳</sup> خدا نیز از چنین گناهی به سختی چشم می‌پوشد و درمی‌گذرد. لغزش‌ها و تقصیرها - که در بین عامه مردم به وفور دیده می‌شود - گذشتنی و عفوکردنی است. **﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾**<sup>۴</sup>؛ و خدا مردمان احسان‌کننده را دوست می‌دارد.

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۳۴.

۳. بین عناد و لغزش تفاوت وجود دارد.

۴. همان.



## ○ استمداد از قدرت ذکر

چهارمین نشانه باتقویای این است که از قدرت ذکر کمک می‌گیرند. **«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ»**<sup>۱</sup>؛ یعنی آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، **«أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ»**؛ یا بر نفس‌های خود ظلم روا بدارند، **«ذَكَرُوا اللَّهَ»**؛ فوراً به یاد خدا می‌افتند و در وادی غفلت و درحال غفلت زیاد توقف نمی‌کنند و نمی‌مانند.

۲۵

درس اول • ایمان و تلاش

این آیه نکات شگفت‌انگیزی درباره **«قدرت ذکر»** دارد: **«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا»**؛ این خاصیت برای باتقواهاست، **«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»**<sup>۲</sup>؛ وقتی یک گروه شیطان افراد باتقوا را احاطه می‌کنند، این افراد فوراً به یاد خدا می‌افتند. شیطان معنای وسیعی دارد؛ هم به معنای ابلیس است و همه به معنای انسان‌ها و گروه‌های شیطان صفت. وقتی یک گروه از شیطان یا گروه‌های شیطان صفت او را احاطه می‌کنند تا گمراهش کنند و او را از راه به در بزنند و به فراموشی بیندازند، **«ذَكَرُوا اللَّهَ»**؛ فوراً به یاد خدا می‌افتند و راه نجاتشان باز می‌شود. یاد خدا چنین اثر شگفتی دارد، یاد خدا حربه کارسازی است در دست ما علیه شیطان‌ها. یاد خدا ریسمانی است در اختیار ما برای نجات از باتلاقی که دشمنان عقل و دین ما، در برابر ما، به وجود آورده‌اند. یاد خدا چنین ابزار راهگشا و ارزشمندی است.

**«ذَكَرُوا اللَّهَ»** چون کار خلافی انجام دهند یا بر خویشان ظلم کنند، خدا را به یاد می‌آورند. **«فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ»**؛ پس برای گناهانشان طلب غفران و مغفرت می‌کنند؛ یعنی به تکاپو می‌افتند تا این گناه و خلأ را التیام ببخشند. اما همین تلاش و تکاپو و تقلا نیز بدون کمک پروردگار ممکن و میسر نیست. **«وَمَنْ يَعْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»**<sup>۳</sup>؛ و چه کسی، به جز خداوند، گناهان را با مغفرت خویش می‌بخشد؟

۱. همان، آیه ۱۳۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۳۵.

تلاش و حرکت از تو، برکت از خدا؛ تلاش و کوشش از ما و قبول از خدای ما. ما حق نداریم تلاش را از پرونده زندگی خود حذف کنیم.

«وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup>؛ افراد با تقوا بر آنچه می دانند گناه است اصراری نمی ورزند. «أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ»<sup>۲</sup>؛ کسانی که از تلاش و کوشش بازمی ایستند و استغفار می کنند و برگناهان اصرار ندارند، چنین افرادی، پاداششان مغفرت الهی است. «وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»؛ و بهشت هایی که در زیر آن نهرها جاری است، «خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»؛ در آن جاودانه اند و چه نیکو پاداشی است برای عمل کنندگان! مسئله عمل بسیار مهم است که در این آیه بر آن تأکید شده است. از این رودرپایان آیه سخن از پاداش عمل کنندگان است؛ «أَجْرُ الْعَامِلِينَ»؛ یعنی به عمل کنندگان و تلاشگران پاداش شایسته ای داده می شود.

### خودارزیابی

- ❖ رابطه ایمان و تلاش را با استفاده از مفاهیم زیر شرح دهید: رحمت، غفران، انفاق، ذکر، خشم.
- ❖ رابطه اطاعت و تلاش را با استفاده از آیه «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» بیان کنید.
- ❖ چگونه رحمت اجتماعی خداوند در تلاش همگانی یک ملت به کار گرفته می شود؟
- ❖ انفاق کامل در چند مرحله به هوشمندی نیاز دارد؟
- ❖ برای فهم مغفرت، تمثیل های دیگری، غیر از آنچه در کتاب آمده است، پیدا کنید.
- ❖ برای خشم مقدس، مصادیقی جدید در اجتماع بیان کنید.
- ❖ خصوصیات افراد متقی را در زندگی خود شخصی سازی نمایید.

۱. همان.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۳۶.

درس دوم

# آشنایی با ایمان بُن بست شکنانه

## اهداف کلی

■ آشنایی فراگیران با نقش‌های ایمان درین بست شکنی

### اهداف یادگیری

پس از مطالعه این فصل فراگیران باید بتوانند:

- مفهوم انفال و انواع آن را توضیح دهند. (فهمیدن)
- چند مورد از نشانه‌های ایمان مؤمن راستین را نام ببرند و آن‌ها را تشریح کنند. (فهمیدن)
- ضمن فهم معنای ترس منفی، در مسیر کسب مهارت ترس مثبت گام بردارند. (کاربرد)
- مصادیق گوناگون انفاق جامعه ساز را در زندگی خود شخصی سازی نمایند. (آفریدن)
- نشانه‌های توکل اجتماعی را در رفتار دیگران تشخیص دهند. (فهمیدن)
- به صورت عملی «خروج ازین بستِ جنگِ اُحد» را شرح دهند. (تجزیه و تحلیل)
- به صورت عملی از دو بالِ نیرومند انسان برای پرواز در میدان‌های زندگی یک اینفوگرافیک (اطلاع‌نگاشت) طراحی کنند. (فهمیدن)
- نشانه‌های انفاق واقعی را با آنچه در جامعه انفاق نامیده می‌شود مقایسه نمایند. (ارزشیابی)

## نقش حاکم الهی در خروج از بن بست های اجتماعی

یکی از سوره هایی که به موضوع اختلاف های اجتماعی پرداخته است، سوره انفال است. سوره انفال با این آیه شروع می شود: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ»؛ ای پیامبر، از تو درباره انفال سؤال می کنند که انفال برای چه کسی و حق کیست. انفال در لغت یعنی ثروت هایی که به عموم مسلمانان تعلق دارد. یک نمونه آن درآمدهای خاصی است که در جنگ نصیب مسلمانان می شود. نمونه دیگرش معادن و منابع زیرزمینی، یعنی ثروت های طبیعی، است. نمونه های دیگر آن جنگل ها، مرتع ها، و کوه ها هستند. پس انفال ثروت هایی است که به یک جمع خاص تعلق ندارد و مال همه مردم است.

برای اولین بار این موضوع برای مسلمانان در جنگ بدر مطرح شد که آن ها با یکدیگر بحث می کردند که غنائم جنگی از آن کیست. وقتی به پیامبر ﷺ مراجعه نمودند و از وی سؤال کردند، خداوند پاسخ را در قالب یک آیه قرآنی این گونه به پیامبر الهام کرد: «قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ»<sup>۱</sup>؛ انفال از آن خدا و از آن پیامبر است. در این آیه، انفال هم مال خدا و هم مال پیامبر ﷺ معرفی شده است.

۱. سوره انفال، آیه ۱.

۲. همان.

انفال «از آن خداست» یعنی مخصوص گروه معینی از بندگان خدا نیست و آنچه به خدا تعلق دارد، باید در اهداف الهی صرف شود. پیداست که خداوند متعال مصالح شخصی ندارد، چون نیاز و حاجتی ندارد که مالش برای رفع آن نیاز مصرف شود. آنچه مال خداست، درحقیقت باید در راه مصالحی که خدای متعال معین کرده است، صرف و خرج شود. پس مال خدا یعنی مصالحی که خداوند برای بندگان تعیین کرده است.

﴿وَالرَّسُولُ﴾ یعنی چه؟ انفال «از آن رسول است» به چه معناست؟ آیا چنین است که رسول، قطعی مستقل درمقابل خداوند است؟ البته که نه، اما از آنجا که هرکسی ممکن است به بهانه این که «این مال خداست و ما نیز بنده خداییم»، مال عمومی را در امور شخصی خود مصرف کند، در این آیه از رسول نیز جداگانه یاد شده است. درست است که مال خدا باید به مصالح عموم مسلمانان و بندگان واقعی خدا برسد، اما به مصلحت عموم رسیدن به این معنا نیست که بل بشو و هرج و مرج بر جامعه حاکم باشد و هرکه هرچه دلش خواست را مصرف کند. بنابراین لازم است یک مرکزیت و دست قدرتمندی باشد که نماینده خدا و قیم امور مردم محسوب شود که چنین کسی همان رسول خدا ﷺ است. در اینجا رسول به عنوان رسالت و نبوت مطرح نشده است، بلکه به عنوان حاکمیت الهی و حاکم دینی مطرح است. البته زمانی که رسول ﷺ از دنیا برود، امام علی (ع) صاحب اختیار انفال است و امام یعنی حاکم الهی. در روزگاری که امام معصوم (ع) بر مردم حکومت نمی کند، آن کسی که از سوی خدا می تواند و می باید بر مردم حکومت بکند و همه کاره جامعه الهی و صاحب اختیار انفال محسوب می شود، حاکم الهی (ولی فقیه) است.

به هر صورت، اگرچه این ثروت ها عمومی و از آن همگان است، در زمان پیغمبر ﷺ انفال متعلق به پیامبر ﷺ است و پس از ایشان به امام معصوم (ع) و بعد از امام معصوم (ع) به امام عادل الهی تعلق دارد که زمام حکومت اسلامی در دست او است و صاحب اختیار انفال است.

## • اصلاح اجتماعی

در ادامه آیه قرآن می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>؛ اگر مؤمن هستید، این سه کار را انجام دهید: اولاً تقوی خدا پیشه کنید، «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ». ثانیاً فی مابین خود را اصلاح کنید و اختلافات را از میان خود و به سود حقیقت از میان بردارید، بر سر چیزهای جزئی به جان هم نیفتید و برای به جان یکدیگر افتادن بهانه‌جویی نکنید. برخی از افراد به دنبال بهانه‌های کوچک برای جنگیدن و دعوا کردن با همدیگر می‌گردند. نصیحت خدا و رسول ﷺ به این افراد این است که به جای آن که برای جنگیدن با دوستان بهانه بجویید، برای جنگیدن با دشمنان بهانه‌ها را پنهان نکنید. اگر اهل جنگی، با دشمن بجنگ؛ جنگ با برادر و دوست چرا؟ توصیه سوم مطلبی کلی است که شامل همه کارهای نیک و اجتناب از تمامی کارهای بد می‌شود، «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»؛ و اطاعت کنید و فرمان بپذیرید از خدا و پیامبرش، «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ اگر شما ایمان دارید. در این آیه لازمه همراهی و اطاعت از پیامبر ﷺ ایمان شمرده شده است. از این رو باید پرسید: اساساً ایمان به چه معناست؟

## • معنای ایمان

ایمان به معنی گروش قلبی و وابستگی فکری و اعتقادی و روانی به یک حقیقت است.<sup>۲</sup> ایمان در این معنا خلاصه نمی‌شود که انسان فقط در قلبش این گرایش و گرویدگی را داشته باشد، بلکه آنگاه ایمان راستین در کسی وجود خواهد داشت که برطبق آن ایمان عمل کند. کسی می‌تواند ادعا کند مؤمن واقعی است که به لوازم ایمان و تعهدات ایمان پای بند باشد. زمانی فرد می‌تواند بگوید من به خدا مؤمن و

۱. همان.

۲. برپایه این تعریف، ایمان دو رکن اصلی دارد: وابستگی قلبی که همان گروش و گرایش است، و وابستگی فکری و ذهنی. روشن است که اگر این دو عنصر در کنار هم گرد آیند، عمل و اطاعت امری قطعی و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. (گروه تدوین)